

## واکاوی هویت تاریخی، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران: ملاحظات نظری و روش‌شناختی

سید محمود نجاتی حسینی\*

### چکیده:

موضوع این مقاله واکاوی فشرده هویت تاریخی در تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران است. هدف مقاله به دست دادن خط سیرهای نظری و روش‌شناختی مندرج در بخشی محدود از ادبیات تاریخ‌نگاری ایران و نیز ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران می‌باشد. از این‌رو، تلاش شده است تا نگاهی هم به ملاحظات علم‌شناسی فلسفی تاریخ و جامعه‌شناسی تاریخی افکنده شود. مقاله دارای دو بخش است: در بخش اول، ملاحظات نظری و روش‌شناختی تاریخ و جامعه‌شناسی تاریخی، بر پایه متون تخصصی این حوزه به صورتی بسیار فشرده، مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم، از این ملاحظات برای نشان دادن ماهیت نظری و روش‌شناختی تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران (چند نمونه) با محوریت «هویت تاریخی» استفاده شده است. از حیث نظری و روش‌شناختی، این مقاله برای تحلیل نحوه بازتاب هویت تاریخی در تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران، چگونگی «دوره‌بندی تاریخی» را به عنوان مفروض کلیدی، مبنا قرار داده است. به این معنا، دوره‌بندی تاریخی ایران می‌تواند پرتوی بر نحوه واکاوی هویت تاریخی بیفکند.

**کلید واژه‌ها:** هویت‌یابی، هویت تاریخی، تاریخ‌نگاری، جامعه‌شناسی تاریخی، علم‌شناسی فلسفی

## مقدمه

مطالعات تاریخی (اعم از تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی) ابزاری نظری و روش‌شناختی برای مشخص نمودن «هویت تاریخی»<sup>۱</sup> جامعه است. اگر پذیرفته شود که «هویت» دربر دارنده و معرف «کیستی و چیستی» هر فرد در بستر زمانی - مکانی یعنی تاریخ، فرهنگ و جامعه است، آنگاه جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعضای یک جامعه معین روشن می‌شود، و «هویت‌یابی»<sup>۲</sup> که از این طریق به دست می‌آید منجر به «تعلق»<sup>۳</sup> تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌گردد.

از این منظر، واکاوی هویت تاریخی و هویت‌یابی تاریخی مقدم بر هویت‌یابی فرهنگی و اجتماعی است. مطالعات تاریخی، از این چشم‌انداز، ابزار نظری و روش‌شناختی به غایت سودمندی برای روشن‌سازی هویت تاریخی و هویت‌یابی تاریخی هستند. این نوع مطالعات، در یک بنیة زمانی - مکانی کلان (برحسب تاریخ جامعه موردنظر)، اعضای جامعه را با خاستگاه هویت فرهنگی و اجتماعی‌شان آشنا می‌کنند. بدین معنا، هویت‌یابی فرهنگی اجتماعی بدون هویت‌یابی تاریخی (که مدیون مطالعات تاریخی است) فراهم نمی‌شود. اما هویت‌یابی تاریخی چگونه صورت می‌گیرد؟ مطالعات تاریخی چگونه این هویت‌یابی تاریخی را واکاوی می‌کنند؟ نقش و جایگاه تاریخ‌نگاری در واکاوی هویت تاریخی چگونه است؟ جامعه‌شناسی تاریخی نیز (به‌عنوان بخش مکمل تاریخ‌نگاری و مطالعات تاریخی) از این حیث چه جایگاهی دارد؟

با توجه به توضیحات و پرسش‌های مطرح شده در بالا، هدف مقاله به دست دادن ملاحظات نظری و روش‌شناختی حاکم بر مطالعات تاریخی ایران با محوریت واکاوی هویت تاریخی است. از آن جا که «دوره‌بندی تاریخی» یکی از مبانی سازوکار واکاوی هویت تاریخی در این مطالعات است، تأکید اصلی مقاله به این

1- Historical Identity

2- Identification

3- Belonging

سمت معطوف شده است. در این خصوص، ذکر چند نکته مهم و کلیدی سودمند است:

الف) دوره‌بندی تاریخی ایران مسیرهایی را که تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران برای واکاوی هویت تاریخی و هویت‌یابی تاریخی ایرانی طی کرده‌اند، روشن می‌کند.

ب) واریسی ملاحظات نظری و روش‌شناختی حاکم بر مطالعات تاریخی ایران، به معنای موردنظر در این مقاله، ویژگی‌های نظری و روشی مندرج در چگونگی واکاوی هویت تاریخی را مشخص می‌سازند.

ج) گرچه تاریخ‌نگاری ایران، برحسب ماهیت صرفاً «تاریخی» این نوع مطالعات، بر روش‌ها و ابزارهای مفهومی نظری خاصی متکی است (آنچه که معمولاً در جامعه‌شناسی تاریخی مبنای کار قرار می‌گیرد)، اما خواهیم دید که «تاریخ» صرفاً با نشان دادن نقطه عزیمت‌ها، شکل‌گیری، افست و خیز، نوسان‌های «هویت تاریخی ایرانی» سروکار دارد، که البته، در جای خود، کمک ارزنده‌ای به جامعه‌شناسی تاریخی برای تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی عوامل و تعیین‌کننده (دترمینانت‌های) مؤثر بر هویت تاریخی می‌کند.

د) و آخر اینکه، جامعه‌شناسی تاریخی، برحسب ماهیت نظری و روش‌شناختی خود، که دارد ما را با عوامل تأثیرگذار بر فرایند شکل‌گیری و دگرگونی این هویت تاریخی آشنا می‌کند؛ ضمن آنکه راه را برای تحلیل و تبیین جامعه‌شناسانه «هویت فرهنگی - اجتماعی»<sup>۵</sup> نیز هموار می‌سازد.

بنابراین، در مقاله حاضر، ابتدا نگاهی فشرده بر ملاحظات نظری و روش‌شناختی مطالعات تاریخی (تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی) خواهیم انداخت؛ سپس با اتکا بر این ملاحظات به سراغ مطالعات تاریخی ایران با محوریت واکاوی هویت تاریخی و دوره‌بندی تاریخ خواهیم رفت.

---

4- History

5- Socio – Cultural Identity

## ۱- تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی

### روش و نظریه در هویت‌یابی

تاریخ‌نگاری، تاریخ جامعه‌شناسانه و جامعه‌شناسی تاریخی به صورت‌های گوناگون با هویت تاریخی سروکار دارند. در ادامه سخن، به بررسی ماهیت این ارتباط می‌پردازیم.

به گفته «پتر بورک»<sup>۶</sup>، تاریخ و علوم اجتماعی همسایگان فکری هم هستند. به نظر وی، کمال تاریخ و علوم اجتماعی در گرو همکاری و همفکری و بهره‌وری متقابل است. این همسایگی فکری ناشی از قدر مشترک این دو رشته علمی است. تاریخ و علوم اجتماعی بر روی دو عنصر «تغییر» و «ساختار» تأکید دارند. اما علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی، به بررسی تغییرات ساخت یافته می‌پردازد و تاریخ بررسی تغییرات ساختاری را برعهده گرفته است. روی هم رفته، تاریخ، علوم اجتماعی و - بالاخص - جامعه‌شناسی قدر مشترک فراوانی دارند (بورک، ۱۹۸۰).

با وجود قدر مشترک فراوان بین آنها از این نکته نباید به سادگی گذشت که تاریخ‌دانان و جامعه‌شناسان، در بسیاری از اوقات، دچار سوء تفاهم نیز شده‌اند و داوری‌هایی نسبت به هم داشته‌اند. به گفته تاریخ‌دان برجسته، فردیناند برودل<sup>۷</sup>، تاریخ‌دان و جامعه‌شناس نظیر دو فرد ناشنوا با هم گفت‌وگو می‌کنند و از مطالب هم چیزی نمی‌فهمند. برودل این گفت‌وگو را «گفت‌وگوی ناشنویان»<sup>۸</sup>، می‌نامد و آن را منشأ بد فهمی می‌داند. به ادعای برودل، تاریخ‌دانان این ایراد را به جامعه‌شناسان می‌گیرند که آنان دارای «آناکرونیزم»<sup>۹</sup>، یعنی خطا در تجزیه و تحلیل‌های تاریخی هستند؛ در عوض جامعه‌شناسان روش شفاهی و روایتی تاریخ را بهانه ایرادگیری کرده‌اند (بورک، ۱۹۸۰).

از سده ۱۹ به بعد، بر اثر تلاش‌های فکری اندیشمندان برجسته علوم اجتماعی، به‌ویژه مارکس، کنت و وبر، که از تاریخ و جامعه‌شناسی سود برده‌اند، نقاط

6- P. Burke

7- F. Brudhle

8- The Dialogue of the Deafs

9- Anachronism

واگرایی کم‌رنگ‌تر شده است. مارکسیسم به‌عنوان یک جریان فکری، تأثیر فراوانی بر هم‌گرایی تاریخ و جامعه‌شناسی گذاشت. از نیمه دوم سده ۲۰ نیز تاریخ و جامعه‌شناسی - به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا - به هم نزدیک‌تر شدند. ازجمله دلایل این نزدیکی می‌توان به تراکم حجم تاریخ اجتماعی و استفاده جامعه‌شناسان از آن، پایه‌گذاری کمیته بررسی جامعه‌شناختی اسناد تاریخی توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۵۵ م، علاقه پارسنز به مدل تکاملی تغییرات اجتماعی، کارهای تک‌نگاری جامعه‌شناسانه تاریخی رابرت بلا و نیل اسملسر، آشکار شدن خطرات ناشی از توجه بیش از اندازه به کارکردگرایی و تاریخ‌ستیزی آن، تمایل روزافزون جامعه‌شناسان به گذشته تاریخی جوامع حتی بیشتر از خود تاریخ‌دانان، تمایل فزاینده مردم‌شناسان به تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تاریخ نوین و گرایش تاریخ‌دانان به تاریخ اجتماعی و گذشته اجتماعی و به عاریه گرفتن روش‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ازسوی تاریخ‌دانان اشاره کرد (بورک، ۱۹۸۰). بر اثر هم‌گرایی تاریخ و جامعه‌شناسی، رویکرد تاریخ جامعه‌شناسانه<sup>۱۰</sup> و جامعه‌شناسی تاریخی<sup>۱۱</sup> شکل گرفت و پل میان تاریخ و جامعه‌شناسی شد. این هم‌گرایی بر روش‌شناسی و نظریه‌پردازی این دو رویکرد تأثیر به‌سزایی گذاشت؛ از روش تاریخی و الزامات مترتب بر پژوهش تاریخی نیز در حد امکان استفاده گردید. شناخت ماهیت این هم‌گرایی روش‌شناختی و نظریه‌پردازی سودمند است.

#### ۱/۱- تاریخ‌نگاری و هویت‌یابی

«تاریخ» به‌عنوان رشته‌ای علمی از دو شأن برخوردار است: شأن دانش‌پژوهی (آموزشی) و شأن معرفتی (علمی)؛ این دو با هویت‌یابی سروکار دارند. فراگیری و آموزش تاریخ کارکردهای گوناگون دارد: در خدمت فرهیخته کردن شهروندان جامعه است؛ شناخت از فرهنگ و تمدن‌های تاریخی را فراهم می‌کند؛ انتقال میراث تاریخی - فرهنگی به اعضای جامعه را آسان می‌سازد، و برای فهم زمان حال و

10- Sociological History

11- Historical Sociology



گذشته تاریخی آن سودمند است. از حیث معرفت‌شناختی نیز تاریخ یک شیوه از تحلیل و تبیین پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، جغرافیایی است. روی هم رفته، «تاریخ» در خدمت توصیف، طبقه‌بندی و تبیین پدیده‌های انسانی - اجتماعی است (مک لاند<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۵؛ چفر - تیلور<sup>۱۳</sup>، ۱۹۷۷).

به نظر مک لاند، موضوع اصلی تاریخ رفتار گذشته انسان است.

روش‌شناسی تاریخ بر شیوه «اسنادی»<sup>۱۴</sup>، یعنی جمع‌آوری اسناد و مدارک و شواهد تاریخی دال بر وجود پدیده یا موضوع، مبتنی است. عمده‌ترین منابع مورد استفاده در روش تاریخی نیز عبارت است از منابع نوشته (کتاب، مطبوعات، بیوگرافی‌ها، نامه‌ها، خاطرات، یادداشت‌ها، شجره‌النسب‌ها و ...)، منابع شفاهی (فولکلور، افسانه‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ...)، منابع هنری (نقاشی، کنده‌کاری و ...)، وسایل مادی (اشیای تاریخی)، منابع دیداری شنیداری (فیلم، نوار، عکس) و منابع فیزیکی (بناهای تاریخی، گورستان‌ها و ...) (ساروخانی، ۱۳۷۰؛ نبوی، ۱۳۶۵). اما علاوه بر روش اسنادی، یان ونسینا<sup>۱۵</sup> از «سنت شفاهی»<sup>۱۶</sup> نیز به‌عنوان روش‌شناسی تاریخ نام می‌برد. از دیدگاه وی سنت شفاهی، عبارت از کلیه مدارک لفظی و لغوی است که بیانگر ارتباط با گذشته است و به صورت شفاهی، سینه به سینه و از طریق زبان منتقل می‌گردد. مانند افسانه‌ها، اسطوره‌ها و ... به نظر ونسینا تاریخ‌دان، برای بررسی تاریخی سنت‌های شفاهی، باید نسبت به محیط فرهنگی حاکم بر آن سنت شناخت داشته باشد؛ از مطلعان محلی فرهنگی آشنا به آن سنت کسب اطلاع کند؛ به‌طور نظام یافته به جمع‌آوری مدارک پردازد و، در ثبت و ضبط این سنت‌ها، عینیت علمی و دقت لازم را رعایت نماید (ونسینا، ۱۹۶۵).

از دیدگاه علم‌شناسی فلسفی تاریخ (فلسفه تحلیلی تاریخ)، قواعد تبیین‌های تاریخی و روش‌شناسی تاریخ، در مقایسه با تبیین‌های اجتماعی و فیزیکی، با

- 
- 12- MacClelland
  - 13- Chaffer - Taylor
  - 14- Documentary
  - 15- J. Vensina
  - 16- Oral Tradition

محدودیت‌هایی روبروست. فیلسوفان تحلیلی تاریخ که به نقد منطقی و روش‌شناختی تاریخ، به‌عنوان یکی از رشته‌های دانش، می‌پردازند، به موضوعاتی از قبیل اهداف پژوهش تاریخی، شیوه‌های طبقه‌بندی داده‌های تاریخی، شیوه‌ی ساختن فرضیه‌ها و تبیین‌های تاریخی، مناسبات تاریخ و علوم دیگر، روش‌شناسی تاریخ و معرفت‌شناسی تاریخی توجه نموده‌اند (کاردینر<sup>۱۷</sup>، ۱۹۶۵).

در مجموع، تاریخ‌نگاری با محدودیت‌هایی در مطالعه‌ی واقعیت‌های تاریخی و ازجمله، پدیده‌ی هویت‌یابی تاریخی روبروست، که از حیث علم‌شناسی فلسفی و یا فلسفه‌ی تحلیلی تاریخ حائز اهمیت‌اند. این محدودیت‌ها را به قرار زیر توصیف کرده‌اند:

- ۱- حوادث تاریخی زنده نیست؛ بلکه مربوط به گذشته‌های دور یا نزدیک است. بنابراین، درک و فهم مستقیم این حوادث ممکن نیست و امکان بررسی آنها فقط با واسطه میسر است.
- ۲- گذشته‌ی تاریخی هرگز عیناً قابل تکرار نیست، از این‌رو، تاریخ‌دان خواه‌ناخواه با معیارهای جامعه زمان خود با گذشته‌ی تاریخی روبه‌رو می‌شود؛ پس باید ضریب انحراف خاصی را در ارزیابی خود بپذیرد.
- ۳- حوادث تاریخی هرگز تماماً در اسناد و مدارک جای نمی‌گیرند. بنابراین، تاریخ‌دان ناچار است از روش‌های استنتاجی و تکمیلی استفاده کند که، به تبع آن، عناصری تازه بر واقعیت تاریخی اضافه می‌کند.
- ۴- هیچ حادثه و واقعه‌ی تاریخی به‌صورت انتزاعی معنا ندارد و این قاعده‌ای است برای تمامی پدیده‌های اجتماعی. چنان‌چه پدیده‌ای اجتماعی در هنگام مطالعه از متن خود جدا گردد، خشک و بی‌معنی و حتی گاه مضحک می‌نماید. از این‌رو، تاریخ‌دان ناگزیر است عوامل تاریخی را که اسناد و مدارک آن موجود است در متن جامعه ملاحظه نماید و به بازسازی جامعه دست زند که این امر خود عامل نهایی در تحریف واقعیت‌های اجتماعی است.

۵- نکته‌ای دیگر که به تمایز پژوهش‌های تاریخی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی ناب راجع است، قواعد روش‌شناختی حاکم بر استفاده از روش‌های تاریخی، به‌ویژه در مرحله گردآوری شواهد و مدارک و داده‌ها است؛ این قواعد با توجه به اهمیت منحصر به فردی که دارد بر روند پژوهش‌های تاریخی، و به تبع آن، پژوهش‌های جامعه‌شناسی تاریخی مؤثرند. ازجمله این قواعد روش‌شناختی، می‌توان به تعیین اصالت، صداقت و درستی داده‌ها، میزان پذیرش این داده‌ها در نظر سایر تاریخ‌دانان، و رعایت ضوابط در هنگام نقل و قول‌های تاریخی اشاره کرد (فرونت، ۱۳۶۳؛ والش، ۱۳۶۳؛ ساروخانی، ۱۳۷۰).

روی هم رفته، این کاستی‌ها و محدودیت‌های روش‌شناختی، به همراه گسترش روزافزون مناسبات تاریخ و جامعه‌شناسی و پیشرفت‌های روش‌شناسی علوم اجتماعی، موجب شدند تا تاریخ‌نگاران به سمت جامعه‌شناسی گرایش پیدا کنند و از روش‌ها و طرح‌های مفهومی - نظری جامعه‌شناسی در تاریخ استفاده کنند. شکل‌گیری «تاریخ جامعه‌شناسانه» محصول همین گرایش تاریخ به سمت جامعه‌شناسی است و خود بر واکاوی هویت تاریخی تأثیرگذارده است.

#### ۱/۲- تاریخ جامعه‌شناسانه و هویت‌یابی

به نظر پیتربورک، استفاده تاریخ از روش مقایسه‌ای، الگوها و نوع‌شناسی (تیپولوژی)ها و مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی - نظیر ساختار، کارکرد، نقش، نظام اجتماعی و ... - موجب نزدیک‌تر شدن تاریخ به علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی گردیده و نوعی تاریخ جامعه‌شناسانه را شکل داده است (بورک، ۱۹۸۵). بورک به چند تن از تاریخ‌دانان برجسته نظیر اتو هیتتر<sup>۱۸</sup>، مارک بلوخ<sup>۱۹</sup>، آرنولد توین بی<sup>۲۰</sup>، کالینگ وود<sup>۲۱</sup>، که تحت تأثیر کارهای ماکس وبر و امیل دورکیم قرار گرفته‌اند، اشاره می‌کند (بورک، ۱۹۸۰). به این معنا، تاریخ

18- O.Hinter

19- M. Bloch

20- A . Toynbe

21- Calling Wood



جامعه‌شناسانه به چند طریق در واکاوی هویت تاریخی سهم دارد. نگاهی به مفاهیم کلیدی به کار رفته در تاریخ جامعه‌شناسانه ما را با سازوکار هویت‌یابی بهتر آشنا می‌کند. برخی مفاهیم از این قرارند:

تاریخ قوم‌شناسی<sup>۲۲</sup>، تاریخ فرهنگی<sup>۲۳</sup>، تاریخ اندیشه<sup>۲۴</sup> و تاریخ اجتماعی<sup>۲۵</sup>، که ماهیتاً با جهت‌گیری جامعه‌شناسانه شکل گرفته‌اند (کوهن<sup>۲۶</sup>، ۱۹۶۵؛ گرینبری<sup>۲۷</sup>، ۱۹۶۵؛ هخت<sup>۲۸</sup>، ۱۹۶۵؛ بریتون<sup>۲۹</sup>، ۱۹۶۵).

اولین مفهوم، ساختار<sup>۳۰</sup> است که می‌توان آن را روابط نسبتاً ثابت میان عناصر دانست، و کارکرد<sup>۳۱</sup> دستاوردی است که عنصر در ساختار دارد. در این زمینه، تاریخ‌دانان از مفاهیم مشابه دیگری همچون تعادل، وفاق، همبستگی و مانند آن استفاده کرده‌اند. از باب نمونه می‌توان به کارهای ادوارد گیبون (امپراتوری رم) و شیلز - یانگ (کارکرد اجتماعی وفاق اخلاقی در تقویت جامعه بریتانیایی دوران ملکه الیزابت) اشاره کرد.

دومین مفهوم نقش اجتماعی<sup>۳۲</sup> است که به معنای الگو یا قواعد رفتار مرتبط با یک موقعیت یا پایگاه مخصوص در ساختار اجتماعی می‌باشد. در این زمینه، نقش اجتماعی درباریان و پادشاهان، با استفاده از نظریه ایفای نقش (گافمن)، بسیار مورد

---

22- Ethnohistory

23- Cultural History

24- Intellectual History

25- Social History

26- Cohn

27- Greenberg

28- Hecht

29- Brinton

30- Structure

31- Function

32- Social Role



استفاده قرار گرفته است. یک نمونه از این مطالعات، تکنوگاری تاریخی کوچران<sup>۳۳</sup> است با عنوان نقش مدیریتی در قرن نوزدهم میلادی.

مفهوم سوم، اجتماعی شدن<sup>۳۴</sup> و کنترل اجتماعی<sup>۳۵</sup> است. اجتماعی شدن به معنای جریان انتقال ارزش‌ها و هنجار (نرم)‌های فرهنگی جامعه و پذیرش و درونی کردن آن توسط افراد جامعه است. کنترل اجتماعی نیز ناظر به فرآیند نظارت جامعه بر رعایت ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مورد قبول است. یک نمونه از مطالعات انجام شده در این زمینه کار شوش<sup>۳۶</sup> است که موضوع آن اجتماعی شدن در بریتانیای قرن هفدهم میلادی است.

چهارمین مفهوم، قشربندی اجتماعی<sup>۳۷</sup> و تحرک اجتماعی<sup>۳۸</sup> است. عمده‌ترین کارهای انجام شده در این زمینه راجع به بررسی مقایسه‌ای تحرک اجتماعی و قشربندی اجتماعی ژاپن، اروپا و آمریکا طی قرون هفدهم تا نوزدهم میلادی هستند. برجسته‌ترین اثر در این باره از آن لیست – بندیکس در مورد جامعه صنعتی معاصر در آمریکا و اروپا است.

پنجمین مفهوم، نظام اجتماعی است. فئودالیسم به عنوان یک نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی مورد توجه تاریخ‌دانان قرار گرفته است. به طور نمونه، می‌توان به اثر نیل (۱۹۴۸) اشاره کرد که مربوط به بررسی نظام فئودالیسم دوران ملکه الیزابت است.

مفهوم ششم، اندیشه و ایدئولوژی است. تاریخ‌دانان به پیروی از دورکیم و مارکس به بررسی تاریخ افکار پرداخته‌اند. لوسین فور و مارک بلوخ از جمله تاریخ‌دانانی هستند که به تاریخ افکار توجه نموده‌اند (بورک، ۱۹۸۰).

33- Cocheran

34- Socialization

35- Social Control

36- Sochet

37- Social Stratification

38- Social Mobility

این مفاهیم همگی به روشن شدن بخشی از هویت تاریخی اجتماعی و شکل‌گیری و کارکرد آن کمک کرده‌اند. شاخه‌های گوناگون این نوع تاریخ نیز (تاریخ قوم‌شناسی و تاریخ فرهنگی) در روشن ساختن خاستگاه و ماهیت هویت‌های تاریخی قومی و هویت‌های تاریخی فرهنگی مؤثر واقع شده‌اند (کوهن، ۱۹۶۵؛ گرینبری، ۱۹۶۵).

در نهایت، شکل‌گیری تاریخ جامعه‌شناسانه، که با استفاده از کاربرد نظریه و روش جامعه‌شناسی در تاریخ صورت گرفت، راه را برای استفاده از تاریخ در جامعه‌شناسی هموار کرد و حاصل آن شکل‌گیری «جامعه‌شناسی تاریخی» است، که مسیری جدید به روی مطالعه‌ی هویت تاریخی از دیدگاه جامعه‌شناسانه گشود.

### ۱/۳- جامعه‌شناسی تاریخی و هویت‌یابی

سی رایت میلز، جامعه‌شناس آمریکایی، تاریخ را عمود خیمه علوم اجتماعی می‌داند و بر آن است که تاریخ می‌تواند کمک خوبی برای تکمیل مطالعات جامعه‌شناسی باشد. لیپست<sup>۳۹</sup> و هوفشتاتر<sup>۴۰</sup> نیز به پیوند میان تخیل تاریخی<sup>۴۱</sup> و تخیل جامعه‌شناختی<sup>۴۲</sup> اشاره می‌کنند که می‌تواند پلی میان جامعه‌شناسی و تاریخ، از طریق جامعه‌شناسی تاریخی، باشد (لیپست - هوفشتاتر، ۱۹۶۸). به نظر این دو جامعه‌شناس، نادیده گرفتن شواهد تاریخی در مطالعات جامعه‌شناسی منجر به بروز خطاهای فاحشی می‌شود. هندلین<sup>۴۳</sup> و ترنسترم<sup>۴۴</sup> به یک نمونه از کارهای جامعه‌شناسی که فاقد شواهد تاریخی ولی واجد اشتباهات تاریخی است، اشاره کرده‌اند. به نظر آنان، در مطالعات بانکی شهر نیوانگلند - که توسط وارنر انجام شده - این جامعه‌شناس در بررسی الگوهای تاریخی گذشته از تاریخ غفلت کرده

39- Lipset

40- Hofstadter

41- Historical Imagination

42- Sociological Imagination

43- Handlin

44- Thernstorm



است (لیپست - هوفشتانر، ۱۹۸۶). به نظر این دو، اشتباهات تاریخ‌دانی که از جامعه‌شناسی غفلت کرده‌اند و جامعه‌شناسانی که تاریخ را نادیده گرفته‌اند به یک اندازه است.

اگرچه جامعه‌شناسان تجربی با جامعه‌شناسی تاریخی و مقایسه‌ای بر سر مهر نیستند، با وجود این، به لحاظ اهمیت تاریخ برای جامعه‌شناسی، برخی از این قبیل جامعه‌شناسان، از جمله لازارسفلد<sup>۴۵</sup>، بر استفاده از داده‌های تاریخی در مطالعات پیمایشی تأکید کرده‌اند. توجه و تأکید فزاینده بر استفاده از تاریخ در جامعه‌شناسی و مشخص شدن پیامدهای نامناسب غفلت از داده‌ها و شواهد تاریخی یکی از عواملی است که موجب شکل‌گیری جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی مقایسه‌ای شده است. به این معنا، جامعه‌شناسی تاریخی را می‌توان، به لحاظ دیدگاه جامعه‌شناختی در بررسی موضوعات تاریخی، از جمله «هویت» مُحقق دانست.

اما تعریف جامعه‌شناسی تاریخی - نظیر تعریف سایر مفاهیم در علوم اجتماعی - جامع و مانع نیست. به عنوان نمونه، موریس دو ورژه در تعریف این نوع جامعه‌شناسی به موضوع اصلی آن استناد کرده است و این موضوع را شامل تعریف تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی می‌داند که هر یک تشکیل دهنده چهارچوبی هستند که بر مبنای آن می‌توان ساختارها، تیپ‌ها و قانون‌های جامعه‌شناسی را تعریف کرد (دوورژه، ۱۳۶۲: ۵۹). به نظر دوورژه، بسیاری از حوزه‌های تخصصی کنونی جامعه‌شناسی، از جمله جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی شناخت، زیرمجموعه جامعه‌شناسی تاریخی هستند.

ریمون آرون<sup>۴۶</sup>، جامعه‌شناس فرانسوی، در کتاب جامعه‌شناسی آلمانی، نکات نسبتاً مفصلی درباره جامعه‌شناسی تاریخی آورده است. وی میان جامعه‌شناسی تاریخی دایره‌المعارفی قرن نوزدهم و جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی قرن بیستم تمایز قائل می‌شود. به نظر آرون، جامعه‌شناسی تاریخی دایره‌المعارفی گونه‌ای جامعه‌شناسی است که کل تاریخ و زندگی اجتماعی بشر را در بر گرفته و به دنبال

45- Lazarsfeld

46- R. Aron

استخراج قوانین متقن برای تنسيق نظم و طبیعت بشری است. نمونه برجسته این نوع جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی کنت و اسپنسر است. جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی، ضمن اینکه داعیه تبیین ارزش‌ها و تاریخ بشری را ندارد، با بررسی توسعه تاریخی جامعه سروکار دارد. این نوع جامعه‌شناسی به «هویت‌های عینی» و فرهنگ بها می‌دهد. پیشگامان این نوع جامعه‌شناسی وبر، تونیس، مانهایم و شلر هستند که در شکل‌گیری شاخه‌های جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی، از قبیل جامعه‌شناسی شناخت و جامعه‌شناسی فرهنگ، مؤثر بوده‌اند. این نوع جامعه‌شناسی به تمدن، فرهنگ، دولت و حقوق بها می‌دهد. به نظر آرون، هدف از انجام مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی، بررسی مناسبات بین فردی و در نظر گرفتن نظریه تاریخ عمومی و پیش‌بینی پاسخی برای اضطراب زمان حال، که خارج از تجربه گذشته است، می‌باشد (آرون، ۱۹۶۴).

همان‌گونه که توبی هاف و هم‌چنین آرون تأکید کرده‌اند، می‌توان به گونه‌ای از جامعه‌شناسی تاریخی قائل شد که نام ماکس وبر - جامعه‌شناس برجسته آلمانی - را یدک می‌کشد. منظور از «جامعه‌شناسی تاریخی تفهمی» به معنای موردنظر وبر است (هاف، ۱۹۸۴؛ آرون، ۱۹۶۴). به نظر هاف، وبر تاریخ را محدود به قلمرو زندگی فکری و ذهنی نمی‌داند؛ بلکه معتقد بود که تاریخ وسیله‌ای برای درک منظومه تاریخی جهان خارجی است، آن هم در متن انضمامی که موجب شکل‌گیری پدیدارهای تاریخی می‌شود. به اعتقاد وبر، گسترش‌های تاریخی را می‌توان با ارجاع به انگیزه‌ها، اهداف و نیات کنشگران تبیین و تفسیر کرد. به گفته هاف، وبر علاقه خاصی به جامعه‌شناسی مقایسه‌ای و مسائل تاریخی داشت. وی با استفاده از ابزار تحلیلی نمونه آرمانی<sup>۴۷</sup>، که می‌توان آن را ابزاری تحلیلی برای ساختن عناصر واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی در قالب یک مفهوم منطقی دقیق برای تفسیر این واقعیت‌ها دانست، زمینه را برای شکل‌گیری جامعه‌شناسی تاریخی تفهمی فراهم کرده است. جامعه‌شناسی تاریخی، مقایسه‌ای، تفهمی وبری سرشار از مفاهیم نمونه



آرمانی است؛ و تاریخ نیز همچون انبار و خزانه‌ای است برای ارائه مثال‌های عینی و شواهد تاریخی دال بر مفاهیم تاریخی موردنظر (هاف، ۱۹۸۴).

آرون نیز از جامعه‌شناسی تاریخی تفهیمی وبری تفسیر دیگری به دست می‌دهد. به نظر وی، این جامعه‌شناسی مبتنی بر روش‌شناسی تاریخی - نظام یافته است که ارکان آن عبارتند از: ربط ارزشی، داوری ارزشی، نمونه‌های آرمانی و فردگرایی روش‌شناختی. ربط ارزشی<sup>۴۸</sup> ناظر به آزادی تاریخ‌دان و جامعه‌شناس در انتخاب موضوع مطالعه است؛ داوری ارزشی راجع به دخالت دادن ارزش‌های فرهنگی جامعه در روند مطالعه و پژوهش است. نمونه‌های آرمانی نیز ابزاری هستند تحلیلی برای کشف خصیصه‌های واحد پدیده‌های تاریخی به منظور صورت‌بندی یک مسأله و هم‌چنین انتخاب جنبه‌های برجسته و آشکار یک پدیده اجتماعی تاریخی. به نظر آرون، این نوع جامعه‌شناسی تاریخی به تاریخ به مثابه مجموعه‌ای از حوادث عینی نگاه نمی‌کند بلکه تاریخ را روند توسعه زندگی انسان‌ها می‌داند (آرون، ۱۹۶۴) که «هویت» را نیز می‌توان بخشی از این توسعه تلقی نمود.

پیتر بورک نیز قرائت دیگری از جامعه‌شناسی تاریخی دارد. به نظر وی، همان‌گونه که تاریخ‌دانان به بررسی ساختارها - در تاریخ جامعه‌شناسانه - علاقه دارند؛ جامعه‌شناسان نیز به مطالعه تغییرات اجتماعی - در جامعه‌شناسی تاریخی - اشتیاق نشان داده‌اند. به نظر بورک، جامعه‌شناسی تاریخی در این زمینه به الگوهای دوری<sup>۴۹</sup> و خطی<sup>۵۰</sup> فلسفی تاریخی تغییرات اجتماعی پرداخته است: هم به عوامل برونی این تغییرات (رشد، تکامل و انحطاط) و هم به عوامل درونی آن (اشاعه و تقلید دوام‌گیری) توجه شده است. بورک، به‌عنوان نمونه، به الگوی تغییرات اجتماعی مبتنی بر تضاد<sup>۵۱</sup> که در جامعه‌شناسی تاریخی مارکسیستی مورد توجه

48- Value Reference

49- Cyclical

50- Linear

51- Conflict

است، و الگوی تغییرات اجتماعی متکی بر نوسازی<sup>۵۲</sup> که موردنظر اسپنسری‌ها است، اشاره می‌کند.

الگوی مبتنی بر تضاد - جامعه‌شناسی تاریخی مارکسیستی - توالی جوامع بشری را بر اثر شیوه‌های تولید و تناقض‌های درونی، که منجر به بحران تضاد اقتصادی اجتماعی سیاسی طبقات و انقلابات می‌گردد، تبیین می‌کند. الگوی مبتنی بر نوسازی جامعه‌شناسی تاریخی اسپنسری بر تکامل اجتماعی تأکید دارد و آن را تغییر تدریجی و تراکمی از جامعه‌ای به جامعه دیگر می‌داند.

با توجه به این نکات، پنج قرائت از جامعه‌شناسی تاریخی می‌توان به دست داد: جامعه‌شناسی تاریخی دایره‌المعارفی (کنت و اسپنسر و ...)؛ جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی (اپنهایم، وبر، مانهایم، شلر، تونیس، زیمل)؛ جامعه‌شناسی تاریخی تفهمی (ماکس وبر)؛ جامعه‌شناسی تاریخی مارکسیستی؛ و جامعه‌شناسی تاریخی اسپنسری. در هر کدام از این جامعه‌شناسی‌های تاریخی، مسأله هویت‌های تاریخی (فردی، گروهی، جمعی، نهادی، ساختاری، تمدنی) به صورت خاص واکاوی شده‌اند. در بخش بعد و به تناسب موضوع، به تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران با محوریت «هویت‌یابی» و «دوره‌بندی تاریخی» خواهیم پرداخت.

## ۲- تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران: دوره‌بندی تاریخی و هویت‌یابی تاریخی

در این بخش، به ملاحظات نظری و روش‌شناسی مترتب بر تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران با محوریت ربط «دوره‌بندی و هویت تاریخی» خواهیم پرداخت. به این منظور، ابتدا مروری فشرده بر گونه‌بندی ادبیات تاریخی ایران از حیث روش‌شناسی مطالعه و بررسی پدیده‌ها و رویدادهای مرتبط با هویت تاریخی ایران خواهیم کرد. این گونه‌بندی شاکله اصلی ادبیات تاریخی ایران، به ویژه ادبیات تاریخی معاصر، را از نظر سه نوع مطالعه‌ی تاریخی مشخص خواهد نمود. این سه

نوع شامل الف) پژوهش تاریخی، ب) تاریخ جامعه‌شناسانه، ج) جامعه‌شناسی تاریخی است. به عبارت دیگر، هدف ما از بررسی گونه‌بندی ادبیات تاریخی ایران (به‌ویژه ادبیات تاریخی معاصر) مشخص کردن این نکته است که کدام بخش از ادبیات تاریخی ایران با روش «پژوهش تاریخی» هویت نگاشته شده است؛ کدام بخش از روش «تاریخ جامعه‌شناسانه» هویت سود برده است؛ و کدام بخش در استفاده از روش «جامعه‌شناسی تاریخی» هویت سهم داشته است.

ذکر این نکته لازم است که با توجه به دامنه و طیف گسترده ادبیات تاریخی ایران (اعم از ادبیات بومی، نگاشته شده توسط تاریخ‌دانان ایرانی، و غیربومی، نگاشته شده از سوی تاریخ‌دانان غربی) بررسی و به دست دادن نمونه‌های این ادبیات به‌طور کامل میسر نیست. بنابراین، ما در این قسمت به گزینش نمونه‌هایی از این ادبیات با تأکید بر دوران معاصر می‌پردازیم.

در قسمت دوم این بخش، به ملاحظات نظری مترتب بر ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران نظری خواهیم افکند. در این قسمت، هدف ما ارائه شاکله رویکردهای «دوره‌بندی تاریخ ایران» است. موضوع «دوره‌بندی تاریخی»، از حیث نظری، اهمیت خاصی برای مطالعات سه‌گانه تاریخی (پژوهش‌های تاریخی، تاریخ جامعه‌شناسانه، جامعه‌شناسی تاریخی) و به تبع آن، تاریخ ایران دارد. دوره‌بندی چارچوب توصیف، توضیح، تفسیر، تحلیل و تبیین رویدادها، پدیده‌ها و موضوعات تاریخی را شکل می‌دهد. این امر درباره ادبیات تاریخی ایران و گونه‌های مطالعات تاریخی آن نیز بیش و کم صادق است. در این قسمت نیز، همانند مباحث گونه‌بندی ادبیات تاریخ ایران، به لحاظ طیف و دامنه گسترده این ادبیات، روش ما انتخاب و گزینش چند نمونه از ادبیات تاریخی ایران است.

نکته‌ای دیگر که ذکر آن لازم است ربط وثیق ملاحظات روش‌شناختی (گونه‌بندی ادبیات تاریخ ایران) و ملاحظات نظری (رویکردهای دوره‌بندی تاریخ ایران) است. همچنان که در ادامه بحث خواهیم دید، گونه‌ها و انواع مطالعات تاریخی ایران در ماهیت رویکرد دوره‌بندی تاریخی ایران و به تبع آن، چارچوب



نظری و مفهومی مطالعه و تحلیل و تبیین پدیدارها، رویدادها و موضوعات تاریخی مرتبط با جامعه ایران تأثیر گذاشته است.

روی هم رفته، مباحث بخش دوم پرتوی بر واکاوی هویت تاریخی در مطالعات تاریخی ایران تلقی می‌گردد. این مباحث، همان‌گونه که در ابتدای مقاله توضیح داده شد، صرفاً به قصد روشن‌سازی مبانی نظری و روش‌شناختی تنظیم شده است و لذا باید آنها را در حکم درآمدی بر موضوع هویت‌یابی تاریخی در مطالعات تاریخی ایران تلقی کرد.

## ۲/۱- ملاحظات روش‌شناختی: گونه‌های تاریخ‌نگاری ایران و رویه‌های هویت‌یابی تاریخی

بررسی فشرده و گزینشی ادبیات تاریخی ایران - به‌ویژه ادبیات تاریخی ایران معاصر - نشان می‌دهد که نسبت زیادی از حجم این ادبیات در قالب «گونه پژوهش‌های تاریخی» است. بنابراین، نسبت بسیار کمی از ادبیات مزبور به «گونه تاریخ جامعه‌شناسانه» و «گونه جامعه‌شناسی تاریخی» اختصاص می‌یابد.

همان‌گونه که در بخش اول نوشتار ذکر شد، سنت روش‌شناسی «گونه پژوهش تاریخی» مبتنی بر روش‌های تاریخی محض یعنی روش‌های آسنادی و شفاهی است. سنت روش‌شناسی «گونه تاریخ جامعه‌شناسانه» متکی بر روش‌های مقایسه‌ای و استفاده از مفاهیم و چارچوب مفهومی علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی، و سنت روش‌شناسی «گونه جامعه‌شناسی تاریخی» نیز به استفاده بینابینی از روش‌های تاریخی، روش مقایسه‌ای و روش‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی پایبند است. به یک معنا، گونه پژوهش تاریخی یک مطالعه تاریخی محض است؛ گونه تاریخ جامعه‌شناسانه مطالعه‌ای است تاریخی با استفاده از روش‌های علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی؛ و گونه جامعه‌شناسی تاریخی نیز مطالعه‌ای است جامعه‌شناسانه با استفاده از روش‌های تاریخی.

با توجه به این توضیحات، در ادامه مطلب، به بررسی گونه‌بندی‌های ادبیات تاریخی ایران، با ذکر چند نمونه گزینشی، می‌پردازیم.

## الف) گونه پژوهش تاریخی

یک وجه تمایز پژوهش تاریخی صرف (گذشته از سنت روش‌شناسی آن که مبتنی بر روش‌های اسنادی و سنت شفاهی است) از تاریخ جامعه‌شناسانه و جامعه‌شناسی تاریخی به «موضوع اصلی»<sup>۵۳</sup> این نوع مطالعه‌ی تاریخی برمی‌گردد. در این نوع مطالعه‌ی تاریخی، که نسبت بزرگی از ادبیات تاریخی ایران را شامل می‌شود، موضوع اصلی فراهم کردن شناخت و آگاهی «پهنانگانه»<sup>۵۴</sup> از «روند تاریخ ایران» است. در بررسی روند موردنظر، با استفاده از رویه «گاه‌شماری»<sup>۵۵</sup>، تاریخ‌دان به «توصیف»<sup>۵۶</sup> و - در مرتبه‌ای بالاتر - به «توضیح»<sup>۵۷</sup>، «رویدادهای تاریخی»<sup>۵۸</sup>، که حکم «واحد تحلیل»<sup>۵۹</sup> این نوع مطالعه را دارا هستند، می‌پردازد. در جدول شماره (۱) شاکله اصلی «گونه پژوهش‌های تاریخی» آمده است. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، این نوع مطالعات تاریخی از حیث موضوع اصلی، هدف مطالعه، رویه‌ی مطالعه، ابزارهای مفهومی و واحد تحلیل قابل تشخیص هستند. دو گونه دیگر را نیز می‌توان بر همین مبنا بررسی کرد.

جدول شماره ۱: شاکله اصلی «گونه پژوهش تاریخی»

موضوع اصلی مطالعه	هدف مطالعه	رویه مطالعه	ابزارهای مفهومی مطالعه	واحد تحلیل مطالعه
روند تاریخ	شناخت پهنانگانه	گاه‌شماری	توصیف و توضیح	رویدادهای تاریخی
سنت روش‌شناسی: روش اسنادی (منابع و اسناد و مدارک مکتوب و عینی) و سنت شفاهی				

چند نمونه برجسته از این نوع مطالعات تاریخ ایران، اثر ۳ جلدی حسن پیرنیا با عنوان ایران باستان: یا تاریخ مفصل ایران قدیم (۱۳۱۱ ه. ش) و اثر یک جلدی

53- Subject Matter

54- Extensive

55- Chronology

56- Description

57- Explication

58- Historical Events

59- Analysis Level

وی با عنوان تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض ساسانیان (۱۳۱۱ ه.ش) و هم‌چنین اثر یک جلدی عباس اقبال آشتیانی با عنوان تاریخ مفصل ایران: از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه (۱۳۴۶ ه.ش) است.

### ب) گونه تاریخ جامعه‌شناسانه

مطالعات تاریخی جامعه‌شناسانه، هم از حیث موضوع اصلی و هم از نظر هدف مطالعه، روش مطالعه، ابزارهای مفهومی مطالعه و واحد تحلیل مطالعه از مطالعات تاریخی صرف متمایز است. از این نظر، این نوع مطالعه با مطالعات جامعه‌شناسانه تاریخی نیز تفاوت دارد. موضوع اصلی این نوع مطالعات «موضوعات تاریخی»<sup>۶۰</sup>، و هدف آن شناخت و آگاهی «ژرفانگرانه»<sup>۶۱</sup> از موضوعات تاریخی است. در بررسی موضوعات تاریخی، از رویه «روند پژوهشی»<sup>۶۲</sup>، که مربوط به نحوه و شکل‌گیری موضوع تاریخی است، استفاده می‌کند. تاریخ دان واجد بینش جامعه‌شناختی با استفاده از رویه روند پژوهی، به توصیف و توضیح و - در مرتبه‌ای بالاتر - به «تحلیل»<sup>۶۳</sup>، «فرایندهای تاریخی»<sup>۶۴</sup>، که در حکم واحد تحلیل مطالعه است، می‌پردازد.

جدول شماره ۲: شاکله اصلی «گونه تاریخ جامعه‌شناسانه»

موضوع اصلی مطالعه	هدف مطالعه	رویه مطالعه	ابزارهای مفهومی مطالعه	واحد تحلیل مطالعه
موضوعات تاریخی - اجتماعی	شناخت و آگاهی ژرفانگرانه	روند پژوهی	توصیف، توضیح و تحلیل	فرایندهای تاریخی - اجتماعی
سنت روش‌شناسی: روش مقایسه‌ای و سایر روش‌های علوم اجتماعی				

- 60- Historical Issue
- 61- Intensive
- 62- Trend study
- 63- Analysis
- 64- Historical Processes

این نوع مطالعات تاریخی، که در مقایسه با پژوهش تاریخی حجم نسبتاً کمتری از ادبیات تاریخی ایران را شامل می‌شوند، طیف و دامنه نسبتاً گسترده‌ای - برخلاف گونه پژوهش تاریخی که ادبیات آن از تنوع به نسبت کمتری برخوردار است - دارند و حوزه‌های گوناگون جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را در برمی‌گیرند. به چند نمونه از این گونه ادبیات تاریخی ایران فهرست‌وار اشاره می‌شود.

چند نمونه بسیار مشخص و برجسته که با رویکرد نسبتاً تحلیلی نگاشته شده‌اند و عمدتاً جزو ادبیات تاریخی غیربومی ایران هستند، کارهای مطالعاتی تاریخ‌دانانی چون حامد الگار، جان فوران، ویلم فلور و لمبتون است. در کارهای مطالعاتی اینان نوعی تاریخ جامعه‌شناسانه به چشم می‌خورد.

از نمونه‌های برجسته ادبیات تاریخی بومی ایران، که با رویکرد تاریخ جامعه‌شناسانه تحریر شده‌اند و بار نسبتاً تحلیلی دارند، می‌توان به مطالعات یرواند آبراهامیان، فریدون آدمیت، عبدالهادی حائری، همایون کاتوزیان و احمد اشرف اشاره کرد.

به چند نمونه دیگر از ادبیات تاریخی ایران، که با رویکرد توصیفی نگاشته شده‌اند، و ماهیتاً ربط وثیقی با مطالعات تاریخ جامعه‌شناسانه - از نوع توصیفی آن - دارند، می‌توان اشاره کرد. مطالعات پیگولوسکایا (شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ۱۳۶۷)؛ ورهرام (نظام حکومت ایران در دوران اسلامی: پژوهشی در تشکیلات اداری، کشوری و لشگری ایران از عصر مغول تا پایان قاجار، ۱۳۶۸)؛ حسامیان، اعتماد و حائری (شهرنشینی در ایران، ۱۳۶۳)؛ سلطانزاده (روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ۱۳۶۲)؛ و تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، ۱۳۶۴)؛ حبیبی (از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن - تفکر و تأثر، ۱۳۷۵)؛ فرشاد (تاریخ علم در ایران)؛ محبوبی اردکانی (تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران) و ... را از این گونه ادبیات تاریخی می‌توان به‌شمار آورد.

همان‌گونه که گفته شد، وجه غالب در مطالعات تاریخ جامعه‌شناسانه وجود رویکرد نسبتاً تحلیلی با نگاه نسبتاً جامعه‌شناسانه به موضوعات تاریخی ایران است.

این گونه از مطالعات تاریخی ایران از مطالعات تاریخی صرف، که رویکرد آن نسبتاً توصیفی و نگاه آن نیز نسبتاً تاریخی محض است، مجزا و متمایز است.

#### پ) گونه جامعه‌شناسی تاریخی

حجم نسبتاً اندکی از ادبیات تاریخی ایران به مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی اختصاص یافته است. سهم این گونه از مطالعات تاریخ ایران حتی کمتر از مطالعات تاریخی جامعه‌شناسانه است. رکن اصلی مطالعات جامعه‌شناسانه تاریخی - از حیث روش‌شناسی - مبتنی بر استفاده از روش‌های تاریخی با تحلیل جامعه‌شناختی است. به عبارت دیگر، در این نوع مطالعات تاریخی، جامعه‌شناس تاریخی پدیدارها، موضوعات و مسائل تاریخی را با استفاده از دیدگاه جامعه‌شناختی تحلیل می‌کند. همان گونه که در بخش اول نوشتار ذکر شد، ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی غرب پنج نوع است:

الف) جامعه‌شناسی تاریخی دایره‌المعارفی که کنت و اسپنسر، جامعه‌شناسان کلاسیک، سردمدار آن هستند و کانون اصلی آن بررسی تاریخی تمدن‌ها، جوامع و فرهنگ‌های بشری است.

ب) جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی آلمان که ناظر به کارهای زیمل، شلر، تونیس و مانهایم است.

ت) جامعه‌شناسی تاریخی تفهیمی ماکس وبر که مبتنی بر روش تفهیمی - تفسیری پدیده‌های تاریخی - اجتماعی است.

ث) جامعه‌شناسی تاریخی مارکسیستی که ناظر به کارهای مارکس و مارکسیست‌های تاریخی‌گرا است.

ج) جامعه‌شناسی تاریخی تکاملی اسپنسری.

کانون و قدر مشترک تمامی اینها در رویکرد جامعه‌شناسانه به پدیده‌های تاریخی و تاریخ تمدن‌ها و جوامع و فرهنگ بشری است.

با توجه به این نکات، در این قسمت، سعی خواهیم کرد که با به دست دادن چند نمونه از مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نوع قرائت‌های آنها را نیز نشان



دهیم، هرچند که مشخص نمودن قرائت‌های جامعه‌شناسی تاریخی ایران به صورت قاطع و شفاف - امکان‌پذیر نیست.

در جدول شماره (۳)، شاکله اصلی گونه مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی آمده است. چنان که ملاحظه می‌گردد، این نوع مطالعات تاریخی از حیث ماهیت روش‌شناختی و چارچوب‌های مفهومی، متمایز از مطالعات تاریخی محض و مطالعات تاریخی جامعه‌شناسانه است.

جدول شماره ۳: شاکله اصلی «گونه جامعه‌شناسی تاریخی»

موضوع اصلی مطالعه	هدف مطالعه	رویه مطالعه	ابزارهای مفهومی مطالعه	واحد تحلیل مطالعه
پدیده‌های تاریخی - اجتماعی	تبیین و تفسیر پدیده‌های تاریخی - اجتماعی	ساختار پژوهی	توصیف، توضیح و تفسیر تحلیل و تبیین	دوره‌های تاریخی - اجتماعی
سنت روش‌شناسی: روش تاریخی - اسنادی - مقایسه‌ای				

در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی، موضوع اصلی «پدیده‌های تاریخی - اجتماعی» است که، به نوعی، نشانگرهای اجتماعی فرهنگی اقتصادی حقوقی سیاسی «هویت‌های عینی» (جامعه، نهادها، ساختارها و گروه‌های اجتماعی) هستند. برای بررسی این پدیده‌ها، «ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی» جامعه مورد نظر و رابطه دیالکتیکی میان این ساختارها و پدیده‌های تاریخی - اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد. جامعه‌شناس تاریخی، با استفاده از «دوره‌بندی تاریخی - اجتماعی» (که خود مبتنی بر ویژگی‌های ساختاری جامعه در طول تاریخ حیات جامعه است) به «توصیف، توضیح، تفسیر، تحلیل و تبیین» پدیده‌های تاریخی - اجتماعی و ساختارهای جامعه و ربط آنها با پدیده‌های مزبور دست می‌زند.

از برجسته‌ترین نمونه‌های ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران می‌توان از کارهای چند جامعه‌شناس تاریخی، نظیر اشرف و کاتوزیان، نام برد. در مورد قرائت‌های مختلف ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران نیز باید گفت که این نوع از مطالعات تاریخی بیشتر شبیه قرائت جامعه‌شناسی تاریخی مارکسیستی و در برخی موارد -

به‌ویژه در آثار اشرف - به جامعه‌شناسی تاریخی تفهیمی وبری نزدیک است. به نظر ما، قرائت‌های جامعه‌شناسی تاریخی دایره‌المعارفی، جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی، و جامعه‌شناسی تاریخی تکاملی اسپنسری در ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران کمتر مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۴: مقایسه گونه‌های مطالعات تاریخی

ویژگی گونه	موضوع اصلی مطالعه	هدف مطالعه	رویه مطالعه	ابزارهای مفهومی مطالعه	واحد تحلیل مطالعه
پژوهش تاریخی	روند تاریخ	شناخت پهنانگانه	گاه شماری	توصیف و توضیح	رویدادهای تاریخی
تاریخ جامعه‌شناسانه	موضوعات تاریخی - اجتماعی	شناخت و آگاهی زرفانگانه	روند پژوهی	توصیف، توضیح و تحلیل	فرایندهای تاریخی - اجتماعی
جامعه‌شناسی تاریخی	پدیده‌های تاریخی اجتماعی	تبیین و تفسیر پدیده‌های تاریخی اجتماعی	ساختار پژوهی	توصیف، توضیح، تحلیل، تبیین و تفسیر	دوره‌های تاریخی - اجتماعی
سنت روش‌شناسی	پژوهش تاریخی: روش اسنادی	سنت شفاهی	تاریخ جامعه‌شناسانه: روش مقایسه‌ای سایر روش‌های علوم اجتماعی		جامعه‌شناسی تاریخی: روش‌های تاریخی

## ۲- ملاحظات نظری: دوره بندی تاریخی ایران و هویت‌یابی

دوره‌بندی تاریخی و دوره‌های تاریخی - اجتماعی، هم‌چنان که اشرف جامعه‌شناس ایرانی نیز یادآور شده است، واحد اصلی تحلیل در جامعه‌شناسی تاریخی است. به نظر وی، جامعه‌شناس تاریخی باید، با استفاده از دوره‌بندی تاریخی، امور جزئی و نظام اجتماعی را در قالب دوره‌های معین تاریخی جامعه درک کند. به نظر اشرف، به کارگیری این روش برای شناخت ویژگی‌های تاریخ ایران، که از طریق بررسی ویژگی‌های اجتماعی شهری، روستایی، عشایری و



تحولات اجتماعی دوره‌های تاریخی ایران انجام می‌شود، سودمند است. جامعه‌شناس تاریخی تصورات، مفاهیم و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی را ازلی و ابدی نمی‌داند و معتقد است که اینها مقولاتی تاریخی و خاص هر دوره هستند. جامعه‌شناس تاریخی هم‌چنین طبیعت انسان و جامعه را یک مقوله تاریخی اجتماعی می‌داند که، در دوره‌های تاریخی اجتماعی جامعه، ویژگی متفاوتی داشته‌اند (اشرف، آ ۱۳۴۸: ۲۳-۱۳).

اگرچه اشرف دوره‌بندی تاریخی و دوره‌های تاریخی را بیشتر به مثابه واحد اصلی تحلیل در جامعه‌شناسی تحلیلی می‌گیرد، با وجود این، هم‌چنان که پیشتر نیز گفته شد، دوره‌بندی تاریخی - اجتماعی هر جامعه فراهم آورنده یک «رویکرد نظری»<sup>۶۵</sup> برای توصیف، توضیح، تحلیل، تفسیر و تبیین ساختارها و پدیده‌های تاریخی - اجتماعی جامعه است. بنابراین، هر چند که دوره‌بندی تاریخی ویژگی اصلی مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی است، اما در گونه‌های مطالعات تاریخی صرف و مطالعات تاریخ جامعه‌شناسانه نیز نوعی دوره‌بندی دیده می‌شود که، البته، از ماهیت دوره‌بندی‌های تاریخی مورد استفاده در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی متمایز است.

بنابراین، می‌توان گفت که دوره‌بندی‌های تاریخی - اجتماعی در انواع مطالعات تاریخی ایران (پژوهش تاریخی، تاریخ جامعه‌شناسانه و جامعه‌شناسی تاریخی) هم مبتنی بر رویکردی نظری، و هم فراهم آورنده رویکردی نظری برای توصیف، تحلیل، تبیین و تفسیر ساختارها، پدیدارها و موضوعات تاریخی - اجتماعی و، در مجموع، «هویت‌های عینی» هستند.

بررسی نمونه‌های انتخابی از ادبیات تاریخی ایران نشان می‌دهد که، در این ادبیات تاریخی، دست کم سه رویکرد نظری برای دوره‌بندی و سه رویکرد نظری برای شناخت مشخصات این دوره‌های تاریخی وجود دارند (ر.ک. جدول شماره ۵).



جدول شماره ۵: رویکردهای نظری دوره‌بندی تاریخ ایران

رویکردها گونه‌ها	مؤثر بر دوره‌بندی	
	متأثر از دوره‌بندی	توصیفی
پژوهش تاریخی	تاریخی - گاه‌شماری	توصیفی
تاریخ جامعه‌شناسانه	واقعیت تاریخی - اجتماعی	توصیفی - تحلیلی
جامعه‌شناسی تاریخی	واقعیت و ایده تاریخی - اجتماعی	تفسیری - تبیینی

الف) رویکرد «تاریخی - گاه‌شماری» و پژوهش تاریخی

در پژوهش تاریخی صرف، دوره‌بندی تاریخی جامعه براساس نوعی رویکرد تاریخی - گاه‌شماری استوار است. در این نوع مطالعات تاریخی، - برخلاف تاریخ جامعه‌شناسانه و جامعه‌شناسی تاریخی - تاریخ‌دان با گاه‌شماری حوادث و رویدادهای تاریخی سروکار دارد. هدف تاریخ‌دان، در این نوع مطالعه، به دست دادن توصیفی پنهانگرانه از حوادث تاریخی به ترتیب وقوع آنها است.

دو نمونه برجسته از پژوهش تاریخی صرف، که در آنها دوره‌بندی براساس رویکرد تاریخی - گاه‌شماری آمده است، کتاب تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه اثر اقبال آشتیانی و ایران باستان اثر پیرنیا هستند. اقبال آشتیانی، در اثر تاریخی خود، قائل به دوره‌بندی تاریخ ایران قدیم یا به - گفته اقبال آشتیانی - آریان‌های ایرانی به صورت زیر است:

- ۱- دوره اول: عهد قدیم، از آخر قرن ۸ ق.م تا نیمه اول قرن ۷ م.
- ۲- دوره دوم: عهد متوسط، از نیمه اول قرن ۸ م تا بدو سلطنت صفویه در ۱۵ م.
- ۳- دوره سوم: عهد نسبتاً جدید، از دوره صفویه در قرن ۱۵ م تا آغاز مشروطه در قرن ۱۹ م.
- ۴- دوره چهارم: عهد معاصر، از انقلاب مشروطه در قرن ۱۹ م تا عصر حاضر (اقبال، ۱۳۷۰، ۴۶-۴۴).



پیرنیا، دیگر تاریخ‌دان ایرانی، قائل به ۵ دوره تاریخی (قبل از اسلام) است:

- ۱- دوره مادی: اعتلای آریان‌های ایرانی در مشرق قدیم؛
  - ۲- دوره هخامنشی: استیلای آریان‌های ایران به مشرق زمین؛
  - ۳- دوره مقدونی و سلوکی: دوره برتری عنصر یونانی و مقدونی در ایران و مشرق قدیم؛
  - ۴- دوره پارتی‌ها: عکس‌العمل سیاسی در برابر بیگانگان؛
  - ۵- دوره ساسانی: عکس‌العمل سیاسی و تمدنی و مبارزه با دنیای مسیحی رومی و بیزانسی (پیرنیا، ۱۳۷۳).
- در این رویکرد، چنان که ملاحظه می‌گردد، نشانگرهای هویت تاریخی ایرانی به ترتیب با «هویت آریایی، هویت هلنی یا یونانی شده و هویت مقاومت و ستیز در برابر بیگانگان» همراه است.

#### ب) رویکرد «واقعیت تاریخی - اجتماعی» و تاریخ جامعه‌شناسانه

در مطالعات تاریخی جامعه‌شناسانه ایران، که گونه دیگری از ادبیات تاریخی است، از رویکرد نظری که مبتنی بر توجه به واقعیت‌های تاریخی - اجتماعی است، برای دوره‌بندی استفاده می‌شود. ویژگی اصلی این رویکرد نظری استفاده از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی (علم اقتصاد، علوم سیاسی، مردم‌شناسی) و - به‌ویژه - جامعه‌شناسی است. بررسی چند نمونه از ادبیات تاریخی ایران (بومی و غیربومی)، که در آنها از رویکرد واقعیت تاریخی - اجتماعی برای دوره‌بندی و بررسی تاریخ ایران استفاده شده، سودمند است.

اشرف، جامعه‌شناس ایرانی، در مطالعه جامعه‌شناسی تاریخی ایران، به ارائه نظریات تاریخ‌دانان ایران‌شناس (غیربومی) در این زمینه پرداخته است. به نظر اشرف، هر یک از صاحب‌نظران ایران‌شناس که دوره‌های تاریخی ایران را مطالعه کرده‌اند، داده‌های تاریخی را به شیوه فکری و تعلقات نظری خود تحلیل و ترکیب نموده و درباره دوره‌بندی تاریخی ایران نظر داده‌اند. وی بر این مبنا، معتقد است که نظریات ایران‌شناسان و شرق‌شناسان را می‌توان درباره چهار نظریه از هم تفکیک کرد: اول، نظریات ایران‌شناسان روسی؛ دوم، نظریاتی که به فئودالی بودن نظام

اجتماعی ایران قائل هستند؛ سوم، نظریاتی که قائل به تفاوت میان نظام زمین‌داری در ایران و نظام فئودالیسم غرب هستند؛ و چهارم، نظریاتی که قائل به نظام آسیایی در ایران هستند. به گفته اشرف، دانشمندان ایران‌شناس غربی چون در پی به کار بستن تجربه‌های تاریخی تمدن غرب در جوامع دیگر هستند، از نظام فئودالیسم به عنوان دوره غالب از عهد هخامنشیان تا دوره اخیر یاد می‌کنند. برخی دیگر از این ایران‌شناسان برآنند که میان نظام فئودالیسم غربی و شیوه زمین‌داری در مشرق تفاوت وجود دارد و، لذا، در فئودالی بودن نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ایران تردید کرده‌اند. ایران‌شناسان روسی نیز چون به سیر خلل‌ناپذیر جوامع بشری از یک مسیر تک خطی مستقیم و دوره‌های معین تاریخی قائل هستند تاریخ ایران را به این شیوه تعبیر کرده‌اند (اشرف ب، ۱۳۴۸: ۲۷-۳۷). در جدول‌های ۶ و ۷، دوره‌بندی تاریخی ایران براساس نظریات ایران‌شناسان روسی و غربی ارائه شده است. در این رویکرد نیز نشانگرهای هویت تاریخی ایرانی «در نهایت» با «هویت بردگی و بندگی» مشخص می‌شود؛ ضمن آنکه (براساس مفاد جدول ۶) نشانگرهایی نیز حاکی از دگرگونی در هویت تاریخی ایرانی، به‌ویژه در دوران جدید (سده‌های ۲۰-۱۸ میلادی)، مبنی بر «هویت‌های تاریخی استعمارزده و بورژوازی» قابل استنباط است.

جدول شماره ۶: دوره‌بندی تاریخ ایران از نظر ایران‌شناسان روسی

زمان تاریخی	هخامنشیان و مادها	ساسانیان	اسلامی خلفای	قرن ۱۰-۱۳ م	قرن ۱۴ و ۱۵ م	سده ۱۶	قرن ۱۸-۱۹ م	نیمه بیلابندی
دوره تاریخی اجتماعی	برده‌داری	فئودالیسم	فئودالیسم ناقص	فئودالیسم تکاملی	فئودالیسم	فئودالیسم	استعمار غربی	بورژوازی

(بر مبنای داده‌های اشرف؛ نیز ن.ک، کریستین سن، ۱۳۱۷؛ پتروشفسکی و دیگران، ۱۳۴۶؛ دیاکونوف، ۱۳۴۵؛ پتروشفسکی، ۱۳۴۵).

## جدول شماره ۷: دوره‌بندی تاریخ ایران از نظر ایران‌شناسان غربی

اعراب و خلفا	ساسانیان	اشکانیان	هخامنشیان	مادها	زمان تاریخی
					ایران‌شناسی و دوره‌بندی
—	فئودالیسم	فئودالیسم	فئودالیسم	فئودالیسم	هرتسفلد
—	فئودالیسم	فئودالیسم	فئودالیسم	فئودالیسم	کریستین سن
—	تولید آسیایی	نظام آسیایی	تولید آسیایی	تولید آسیایی	ویتفوجل
—	نظام اداری غیرفئودالی	شبه فئودالی	نظام فئودالی	نظام فئودالی	کولبرن
نظام اداری غیرفئودالی	—	—	—	—	بکر
نظام زمین‌داری شرقی	—	—	—	—	پولیاک

(بر مبنای داده‌های اشرف؛ نیز ن.ک:

Mooreland, 1929; Becker, 1924; Coolborn, 1956; Ben shemeshor 1958; Cohen, 1953.

و هم‌چنین، لمبتون، ۱۳۳۹).

برای روشن‌تر شدن مبنای رویکرد نظری ایران‌شناسان روسی و غربی برای دوره‌بندی تاریخ ایران، جمع‌بندی فشرده‌ای از مطالعه در این باره سودمند است. دلالت‌های زیر حاکی از وجود هویت‌های تاریخی موردنظر را نشان می‌دهند.

۱- تصور وجود نظام آسیایی یا شیوه تولید آسیایی از ابتدای قرن ۱۹ میلادی به وجود آمد و مورد توجه مارکس و انگلس قرار گرفت. ایران‌شناسان روسی نیز، که از دهه سوم قرن ۲۰ م. به مطالعه نظام آسیایی کشورهای شرقی پرداختند، همان مسیر تک خطی و خلل‌ناپذیر تکاملی را به‌عنوان الگوی تحقیقات ایران‌شناسی برگزیدند.

۲- ویتفوجل، که ۳۰ سال به تحقیق درباره نظام‌های آسیایی پرداخته است، در کتاب استبداد شرقی<sup>۶۶</sup>، در حدی مختصر نظام آسیایی ایران باستان و دوره

اسلامی را بررسی کرده است. مبنای رویکرد نظری ویتفوگل این است که در نظام آسیایی یک دیوان‌سالاری عظیم، که در رأس آن یک فرمانروای مستبد و مطلق‌العنان آسیایی قرار دارد، یک قدرت مطلق و بی‌چون و چرا بر جامعه حکم می‌راند و هیچ قدرتی را یارای مقابله با وی نیست. به نظر ویتفوگل، ویژگی‌های نظام آسیایی ایران عبارتند از: الگوی بهره‌وری از شبکه‌های آبیاری وسیع، نظام ارضی، اداره دهات، فرمانروایی آسیایی، ساتراپ‌ها، روحانیان، خواجهگان، پست‌های دولتی، مدیریت آبیاری، ناایمنی، پرده‌داری و تمایل به حکومت مذهبی.

۳- ایران‌شناسان غربی نظریات نسبتاً متمایزی از ایران‌شناسان روسی دارند. کوئن و بن شمش اقطاع‌داری اسلامی را با «فیف»<sup>۶۷</sup> غربی یکی دانسته‌اند و به وجود نظام فئودالیسم در ایران قائل هستند. برخی از اینان در این باره تردید روا داشته‌اند و معتقدند نظام زمین‌داری شرقی فاقد ویژگی‌های فئودالیسم غربی است. به عنوان نمونه، کولبرن بر آن است که رونق شهری، تجارت پولی و رواج نظام دیوان‌سالاری در ایران موجب تردید در وجود نظام فئودالی غربی در ایران است. بکر نیز میان اقطاع‌داری اسلامی در شرق و نظام فئودالیسم غربی تمایز قائل شده است. مورلند نیز، نظیر کولبرن، در این باره تردید داشته است. لمبتون نظام مناسبات ارضی ایران را با فئودالیسم غربی یکسان نمی‌داند. پولیاک نیز زوج اقتصاد پولی و تجمع فئودال‌ها در شهرهای شرقی را موجب تمایز فئودالیسم شرقی و غربی می‌داند. (ن.ک: اشرف، ب، ۱۳۴۸).

علاوه بر اینها، در دوران جدید تاریخی اجتماعی (سده‌های ۱۹ و ۲۰)، روح دوره‌بندی‌های ارائه شده در نمونه‌های مورد بررسی، تحولات و دگرگونی‌های ایجاد شده در هویت تاریخی ایرانی را حکایت می‌کنند. در نمونه‌های مورد بررسی، زیر نشانگرهایی از وجود «هویت‌های تجدیدطلب، انقلابی، آرمانگرا، ملی‌گرا، دین‌گرا» قابل استنباط است.



در ادبیات تاریخی ایران، که توسط دانش پژوهان ایرانی نگاشته شده است، نیز نوعی استفاده از رویکرد واقعیت تاریخی - اجتماعی برای دوره‌بندی تاریخ ایران ملاحظه می‌شود. به عنوان نمونه، می‌توان به کارهای رزاقی (۱۳۶۷) در مورد اقتصاد ایران؛ غنی‌نژاد (۱۳۷۷) در زمینه توسعه و مدرنیسم در ایران؛ و سیف‌اللهی (۱۳۷۴) درباره اقتصاد سیاسی ایران اشاره کرد.

سیف‌اللهی، در کتاب اقتصاد سیاسی ایران، در زمینه فرایند شکل‌گیری توسعه اقتصادی اجتماعی ایران قائل به دو دوره زیر است:

۱- دوره اول: دوره قبل از شکل‌گیری نظام اقتصادی، اجتماعی سرمایه‌داری در ایران

۱/۱- مرحله اول: گردآوری خوراک (پیش از ورود آریایی‌ها به فلات ایران)

۱/۲- مرحله دوم: شبانی (یورش آریایی‌ها به فلات ایران)

۱/۳- مرحله سوم: کشاورزی معیشتی (اسکان آریایی‌ها)

۲- دوره دوم: دوره شکل‌گیری سرمایه‌داری در ایران

۲/۱- مرحله اول: پیدایش و گسترش سرمایه‌داری پیرامونی (۱۹۷۹-۱۹۰۶ میلادی)، شامل اوایل قاجاریه تا انقلاب مشروطه (۱۹۰۶ م)؛

مشروطه تا رضاشاه (۱۹۲۵ م)؛ رضا شاه تا محمدرضا شاه (۱۹۴۱ م)؛ محمدرضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ م)؛ کودتا تا انقلاب سفید (۱۹۶۲ م)؛ انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م).

۲/۲- مرحله دوم: فروپاشی سرمایه‌داری پیرامونی (۱۹۸۸ - ۱۹۷۹ م) که شامل

انقلاب اسلامی تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (جنگ ایران و عراق)

و از پذیرش قطعنامه تاکنون می‌شود (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴:

۱۷۰-۱۶۳).

غنی‌نژاد، در کتاب تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تلویحاً قائل به دوره‌بندی برای فرایند تجددطلبی و توسعه ایران معاصر (قاجاریه به بعد) شده است. جمع‌بندی فشرده این دوره‌بندی به صورت زیر است:

- ۱- اواخر دوره قاجاریه: تجددطلبی و قانون‌خواهی روشنفکران ایران
  - ۲- تا ظهور رضاخان: انقلاب مشروطه و استبداد جدید
  - ۳- دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴): ناسیونالیسم، میهن‌پرستی، روشنفکری تجددخواه، حکومت اقتدارگرایانه و دولت‌مداری رضاشاهی
  - ۴- شهریور ۱۳۲۰: سقوط استبداد رضاشاهی، تجددطلبی وارونه و تلاش جهت انطباق جامعه آرمانی با سنت
  - ۵- ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰: تجددطلبی وارونه و آرمان‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیسم خداپرستانه، سوسیالیسم ایرانی، انقلاب شاه و ملت و پیدایش ایدئولوژی توسعه در ایران (غنی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۰-۷).
- رزاقی نیز، در کتاب اقتصاد ایران، به دوره‌بندی تاریخ اقتصاد ایران (از قرن ۱۴ میلادی به بعد) به شرح زیر اشاره نموده است:
- ۱- اقتصاد بی‌سامان و آشفته (قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی)
  - ۲- اقتصاد خودکفا و سنتی صفویه (قرن ۱۵ تا ۱۷ میلادی)
  - ۳- اقتصاد انحطاطی قاجاریه (قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی): آغاز تجارت نابرابر، عصر امتیازات، ایجاد صنایع نو و اقتصاد وابسته.
  - ۴- اقتصاد نفتی پهلوی (قرن ۲۰ میلادی) شامل چند مرحله از جنگ جهانی دوم و از جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (دوره ملی کردن صنعت نفت، دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دوره برنامه‌های عمرانی کشور) (رزاقی، ۱۳۶۷: ۳۰-۳).

#### پ) رویکرد «واقعیت و ایده تاریخی - اجتماعی» و جامعه‌شناسی تاریخی

در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی ایران - که البته به نسبت دو گونه دیگر مطالعات تاریخی، بسیار اندک و کم‌شمار است - دوره‌بندی تاریخی مبتنی بر

رویکرد نظری است که به واقعیت‌ها و ایده‌های تاریخی - اجتماعی توجه دارد. این رویکرد معطوف به تفسیر و تبیین دوره‌های تاریخی اجتماعی است. در مقایسه با مطالعات تاریخ جامعه‌شناسانه (رویکرد واقعیت تاریخی - اجتماعی) در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی ایران، دوره‌بندی‌های تاریخی بازتاباننده ویژگی‌های جامعه‌شناختی و الزامات ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی و، در مجموع، نظام اجتماعی ایران است. ذکر چند نمونه از ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران برای درک این گزاره سودمند است.

در این زمینه، مطالعات اشرف، امیر ارجمند و کاتوزیان قابل ذکرند. دوره‌بندی تاریخی - اجتماعی موردنظر اشرف، جامعه‌شناسی ایرانی، یک دوره‌بندی تاریخی گسترده است که، از حیث روش‌شناسی و چارچوب نظری، برگرفته از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی تفهیمی ماکس وبر است و ویژگی آن استفاده از نمونه‌های آرمانی است. افزون بر این دوره‌بندی مورد نظر اشرف تحت تأثیر آرای مارکس قرار دارد.

هم‌چنان که اشرف یادآور شده است، ماکس وبر میان نظام زمین‌داری شرق و غرب تمایز قائل بود و به نظام فئودالیسم غربی مبتنی بر فیف و نظام فئودالیسم شرقی مبتنی بر بنفیس<sup>۶۸</sup> باور داشت. وبر این نظام شرقی را - که از آن با عنوان «پاتریمونیالیسم»<sup>۶۹</sup> و «سلطانیسم»<sup>۷۰</sup> یاد می‌کند - تبدیل شونده به «نظام فئودالیسم آسیایی شرقی» می‌داند.

به نظر ماکس وبر، نظام پاتریمونیالیسم آسیایی شرقی از گسترش نظام پدرسالاری به وجود آمده است؛ به این معنی که وابستگان خانوادگی شخص فرمانروا به‌عنوان دستگاه حاکم بر جامعه حکومت می‌کنند و سران لشگری و کشوری از اعوان و انصار فرمانروای مطلق هستند. در این نظام، بنفیس یا بخشش براساس مقام و موقعیت اعطا می‌گردد؛ برخلاف فیف که در نظام فئودالیسم غربی

68- Benefice

69- Patrimonialism

70- Soltanism



رایج است و به شخص تعلق می‌گیرد. در فئودالیسم غربی واسال یا گیرنده فیف در برابر لرد فئودال دارای استقلال عمل است و آزاد محسوب می‌شود. میان این دو، تعهدات متقابلی وجود دارد که انجام آنها به تقویت رابطه طرفین منجر می‌شود. واسال‌ها تحت تابعیت یک لرد فئودال وابسته نظامی بودند ولی، درعین حال، مشروعیت سیاسی نیز داشتند. واسال‌های فرعی تابع واسال اصلی بودند و مشروعیت سیاسی آنان ناشی از مشروعیت سیاسی واسال اصلی و ارتباط وی با لرد فئودال بود (اشرف، آ، ۱۳۴۸: ۱۶۳-۱۵۷).

ویژگی‌های جامعه‌شناسی تاریخی نظام آسیایی که مارکس بدان قائل است عبارتند از مدیریت آبیاری مصنوعی و تمایز میان شهر و روستا. به نظر مارکس، در اجتماعات ماقبل صنعتی به لحاظ وسعت اراضی کشاورزی و بی‌آبی، ایجاد شبکه‌های آبیاری گسترده و اداره دولتی آنها ضروری بوده است. در این نظام، مالکیت جمعی و دولت تحت سلطه یک فرمانروای مطلقه قرار داشته است. وی نظام اجتماعی هندوچین را نمونه‌ای از این نظام می‌داند.

به نظر انگلس نیز دولت‌های باستانی هند و ایران اداره آبیاری جمعی را برعهده داشته‌اند. به نظر این دو، در نظام آسیایی با شیوه تولید آسیایی، فرمانروای مطلق العنان بر ساختارهای اقتصادی سیاسی جامعه سلطه و نظارت تام داشته است.

اشرف - همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد - با توجه به آرای مارکس و وبر، در دوره‌بندی تاریخی - اجتماعی ایران قائل به وجود سه دوره است:

۱- دوره نظام فئودالی (تضاد شهر و روستا، خودمختاری شهرها، حضور اصناف، ضعف قدرت دولت)

۲- دولت نظام آسیایی (استبداد شاهی مطلق‌العنان)

۳- دوره نظام ملوک‌الطوایفی (ضعف قدرت مرکزی و وجود خان‌ها و سران ایلات و عشایر)

وی، تحت تأثیر ماکس وبر، بر آن است که باید ویژگی‌های هر دوره را آن‌طور که هست با نمونه آرمانی سنجید و ارزیابی کرد و انحرافات واقعیات تاریخی را از نمونه‌های آرمانی تشخیص داد.

به نظر اشرف، دولتمردان در طول تاریخ، میان این سه نمونه آرمانی (دوره‌های تاریخی فتودالی، آسیایی، ملوک‌الطوایفی) در نوسان بوده و در هر دوره‌ای به یکی از این نظام‌های اجتماعی بیشتر تمایل داشته‌اند بدون آنکه، به طور مطلق، یکی از این نمونه‌های آرمانی عیناً در عمل مصداق پیدا کرده باشد. به اعتقاد اشرف، برای تفهم هر کدام از این دوره‌ها، استفاده از ابزار تحلیلی نمونه آرمانی ضروری است. با استفاده از این ابزار تحلیلی، امکان مقایسه دوره‌ها با همدیگر و هم‌چنین با دوره‌های تاریخی سایر تمدن‌ها امکان‌پذیر است (اشرف، ب، ۱۳۴۸).

امتیاز دوره‌بندی تاریخی - اجتماعی اشرف نسبی‌گرایی و عدم مطلق‌انگاری آن است. هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، در دوره‌بندی و رویکرد نظری اشرف، جامعه تاریخی ایران میان این سه نمونه آرمانی در نوسان بوده است. داوری درباره درستی و نادرستی نظر اشرف فراتر از هدف این نوشتار است.

به دو نمونه دیگر از ادبیات جامعه‌شناسی تاریخی ایران باید اشاره کرد. نمونه اول مطالعه امیر ارجمند (۱۹۸۹) است که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی جای می‌گیرد. وی، در مطالعه جامعه‌شناسی تاریخ سیاسی ایران، به بررسی ارتباط متقابل جامعه و سیاست در ایران از قرن ۱۵ م. (دوره صفویه) تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م.) پرداخته است. امیر ارجمند تلویحاً قائل به دو دوره تاریخی، اجتماعی، سیاسی است:

۱- دوره ظهور دولت نوین (از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی ۵۷)

۲- دوره مطلق‌گرایی دینی (از زمان تشکیل جمهوری اسلامی ایران)

امیر ارجمند، برای بررسی این دوره، به نقش قدرت روحانیت شیعه، جامعه شهری سنتی، اندیشه‌های سیاسی جدید، انقلاب مشروطه، مدرن‌سازی رضاخان، انقلاب سفید محمدرضا پهلوی، تعارض شیعه‌گرایی و دولت‌گرایی در دوران قبل از انقلاب اسلامی ۵۷ پرداخته است (امیر ارجمند، ۱۹۷۹).

نمونه دوم، مطالعه کاتوزیان (۱۳۷۴) است که در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی اقتصاد سیاسی ایران و توسعه اقتصادی است. کاتوزیان، در مطالعه خود، به بررسی

رابطه متقابل اقتصاد، جامعه و سیاست در تاریخ معاصر ایران پرداخته است. وی تلویحاً به چنین دوره‌بندی از تاریخ ایران قائل است:

- ۱- دوره انقلاب مشروطه: شیوه تولید فئودالیستی و استبدادی آن
- ۲- دوره دولت و ضد انقلاب: ضد انقلاب استبدادی (۱۳۲۵-۱۲۹۸ ه. ش)؛ حاکمیت شبه مدرنیسم مطلقه (۱۳۲۰-۱۳۰۵ ه. ش)؛ سقوط شبه مدرنیسم استبدادی (۱۳۲۰-۱۳۱۲ ه. ش)
- ۳- دوره فترت، دموکراسی و دیکتاتوری: اشغال ایران (۱۳۳۰-۱۳۲۰ ه. ش)؛ ملی شدن نفت (۱۳۳۲-۱۳۳۰ ه. ش)؛ دیکتاتوری سیاسی و لیبرالیسم اقتصادی (۱۳۴۰-۱۳۳۲ ه. ش)
- ۴- دوره استبداد نفتی، توسعه اقتصادی و انقلاب مردم: ۱۳۵۷-۱۳۴۰ ه. ش. (کاتوزیان، ۱۳۷۴).

### نتیجه‌گیری

- ۱- مطالعات تاریخی (تاریخ‌نگاری، تاریخ جامعه‌شناسانه و جامعه‌شناسی تاریخی) ابزار مفهومی نظری و روش مناسبی برای واکاوی «هویت تاریخی» و «هویت‌یابی تاریخی اجتماعی و فرهنگی» هستند.
- ۲- انواع مطالعات تاریخی از روش‌ها و رویکردهای نظری متمایزی استفاده می‌کنند که، در نهایت، بر چگونگی واکاوی هویت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و هم‌چنین نمایش نشانگرهای دلالت‌کننده بر این هویت‌ها تأثیرگذار است.
- ۳- واری «دوره‌بندی تاریخی» یکی از ابزارهای سودمند برای شناخت نشانگرهای حاکی از «هویت‌ها» در مطالعات تاریخی ایران است.
- ۴- واری نمونه‌هایی از مطالعات تاریخی ایران (پژوهش تاریخی، تاریخ جامعه‌شناسانه و جامعه‌شناسی تاریخی ایران) با هدف به دست دادن نشانگرهای دال بر ماهیت «هویت تاریخی اجتماعی ایرانی» حاکی از وجود «تحول و تنوع» در «هویت تاریخی اجتماعی ایرانی» از آغاز تاکنون است.



- ۵- در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان به طیفی از «هویت‌های تاریخی اجتماعی ایرانی» در یک تقسیم‌بندی زمانی کلان (۲۵۰۰ سال) متنوع و متحول - «آریایی، هلنی شده، مقاومت و ستیز، بردگی و بندگی، استعمارزده، بورژوا، تجددطلب، اقتباس، آرمان‌گرا، ملی‌گرا و دین‌گرا» - اشاره کرد.
- ۶- در نهایت، به نظر می‌رسد که بتوان این هویت‌ها را ذیل سه هویت کلی «ملی‌گرا، مذهبی‌گرا، غربی‌گرا» گنجانند.
- ۷- این سه هویت کلی، به ترتیب، با سه لایه فرهنگی «ایرانی، اسلامی، غربی» ربط پیدا می‌کنند.

## منابع:

- ۱- اشرف، احمد (۱۳۴۸): *نظام فتودالی یا نظام آسیایی: نقد و نظری بر ویژگی‌های تاریخ ایران*، جهان نو.
  - ۲- اقبال‌آشتیانی، عباس (۱۳۷۰): *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*، تهران: خیام.
  - ۳- پیرنیا، حسن (۱۳۷۳): *تاریخ ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
  - ۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰): *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*، تهران: خیام.
  - ۵- پیگالوسکایا، ن. (۱۳۶۷): *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌... رضا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
  - ۶- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۵): *از شار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران.
  - ۷- حسامیان، فرخ و همکاران (۱۳۶۳): *شهرنشینی در ایران*، تهران: آگاه.
  - ۸- دو ورژه، موریس (۱۳۶۲): *روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه خسرو اسدی، تهران: امیرکبیر.
  - ۹- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷): *اقتصاد ایران*، تهران: نشر نی.
  - ۱۰- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰): *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیان.
  - ۱۱- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴): *تاریخ مدارس ایران*، تهران: آگاه.
  - ۱۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲): *روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*، تهران: آگاه.
  - ۱۳- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۴): *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران: المیزان.
  - ۱۴- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۷): *تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر*، تهران: نشر مرکز.
  - ۱۵- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲): *تاریخ علم در ایران*، تهران: امیرکبیر.
  - ۱۶- فروند، ژولین (۱۳۶۳): *آرا و نظریه‌ها در علوم انسانی*، ترجمه علمی محمد کاردوان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  - ۱۷- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۴): *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه ک. عزیزی و م. نفیسی، تهران: نشر مرکز.
  - ۱۸- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۱-۱۳۷۳): *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
  - ۱۹- نبوی، بهروز (۱۳۶۵): *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: فروردین.
  - ۲۰- والش، اچ. (۱۳۶۳): *فلسفه تاریخ*، ترجمه ضیاءالدین طباطبایی، تهران: امیرکبیر.
  - ۲۱- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸): *نظام حکومت اسلامی در دوران اسلامی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 22- Amir Arjomand, S. (1989); *The Turban for the Crown*, oup.



- 23- Aron, R. (1964); *German Sociology*, The Free Press.
- 24- Brinton, G. (1965); *Intellectual History*, In Ence.Soc.Sci.
- 25- Burke, P. (1980); *Sociology and History*, George Allen and Unwin, UK.
- 26- Cardiner, P. (1965); *The Philosophy of History*, In Ene.Soc.Sci.
- 27- Chaffery, J - Tylor, I. (1977), *History and the History Teacher*, UE Backs.
- 28- Chon, T.S. (1965); *Ethnohistory*, In Enc.Soc.Sci.
- 29- Greenbery, J.H. (1965); *Culture History*, In Snc.Soc.Sci.
- 30- Hesht, J. J. (1965); *Social History*, In Enc.Soc.Sci.
- 31- Huff, T.E. (1984); *Max Weber and Methodolgy of Social Sciences, Transation.*
- 32- Lipset, S.M – Hofstadter, R; (1968), *History and Sociology: Methodology*, BB Book.
- 33- Laslleft, P. (1965), *History and The Social Science*, In Enc.Soc.Sci.
- 34- Macclelland, P.D. (1975); *Causal Explanation and Model Building In History, Economics and the New History*, Economic cup.
- 35- Vensina, J. (1965); *Oral Tradition: A study in Historical Methodology*, R.K.P.